

آقا عبدالحسین از کودکی تا دیدار محبوب!

می‌کنند نیز انتقاد داشت؛ او از بسیاری از محافل و مجالس مذهبی خشنود نبود و نقدهایی بر این مجالس مطرح می‌کرد. مهم‌ترین نقد او بی‌اطلاعی و ناآگاهی گویندگان از حدیث و معارف دینی بود و به سخنان نامستند و نامناسب بعضی از اهل منبر و برخی از روضه‌خوانان، ایراد داشت. او جایی گفته: «در یکی از مجالس عمده تهران، در ایام عزاداری شرکت کرده بودم، در وسط منبر با این‌که کاری زننده بود، برخاستم و بیرون آمدم، چون نشستن و گوش دادن به آن حرف‌ها را حرام دانستم.» علامه امینی سرانجام ظهر جمعه ۱۲ تیرماه ۱۳۴۹ شمسی (۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۹۰ قمری) درگذشت. برخی درگذشت او را در حالی که بنیه‌ای قوی و تنی سالم داشت، ناشی از مطالعه زیاد، اشتغال بی‌وقفه به نوشتن و مراقبت دائم در کار کتابخانه دانسته‌اند. بامداد شنبه ۱۳ تیر ۱۳۴۹، پیکر او تشییع شد. افزون بر تهران، در شهرهای بغداد، کاظمین، کربلا و نجف نیز پیکر علامه امینی تشییع شد و پس از طواف دادن بر گرد آستان مقدس امیرالمومنین (ع) به وصیتش، در حجره‌ای از کتابخانه امیرالمؤمنین (علی‌ع) نجف که خود بنیانگذار آن بود، به خاک سپرده شد.



حالا که اجمالا در جریان قرار گرفتیم مرحوم علامه امینی که بوده و چه کرده، بد نیست مروری هم بر زندگی خودش داشته باشیم. عبدالحسین امینی در سال ۱۲۸۱ هجری شمسی در روستای سردها از توابع شهرستان سراب آذربایجان شرقی در خانواده‌ای که اهل علم بودند متولد شد و با در مسیر کسب علوم دینی گذاشت. او مقدمات را در تبریز آموخت و برای فراگیری مراحل بعدی راهی نجف شد و پس از کسب اجازه اجتهاد به تبریز بازگشت. در زهد و تقوای مرحوم امینی نقل‌های مختلفی وجود دارد، ولی علاقه و توجه او به معصومین (ع) در کانون توجه بوده است. او در وصیت‌نامه‌اش خواست کسی را نایب او قرار دهند تا ۱۰ سال به کربلا برود. وی همچنین وصیت کرده بود ۱۰ سال مجلس عزاداری روزهای شهادت فاطمه (س) برگزار کنند. او معتقد بود زیارت ائمه و امامزادگان، برخلاف آنچه هم‌اکنون در بین شیعیان دیده می‌شود، باید بازده جدی پرورشی داشته باشد. او علاوه بر این‌که به اهمیت یاد اهل بیت (ع) و برپایی مجالس تذکره تأکید داشت و در وصیتش نیز به برپایی مجلس مصیبت برای حضرت فاطمه (س) تأکید کرده بود، اما از مجالسی که زمینه گرفتن نقل‌های غیرمعتبر را فراهم



بزرگ آن چه می‌دانیم؟
حقیقت

کاخ عظیم

رهبر انقلاب در بیاناتی در سال ۷۸ درباره این کتاب یادآوری کرده بودند: «همین کتاب الغدیر هم به نظر من مهجور است. من به دوستانمان سفارش کردم الغدیر را که در آن صدها کتاب است. یعنی ایشان درباره موضوعات مختلف، مطالبی دارد. گاهی ۱۰۰ صفحه، ۸۰ صفحه درباره یک شخص، یک مطلب، یا یک حدیث، مطلب دارد و یک نفر باید اینها را از اول الغدیر بخواند تا به مطلب مورد نظر برسد و از آن استفاده کند. حالا کو آن آدمی که حوصله کند، ۱۱ جلد کتاب الغدیر را بخواند و این‌گونه مطالب را بیرون بکشد؟! -مورد بررسی دقیق قرار دهند و موضوعات مختلف را دانه دانه بیرون بکشند؛ هر کدامشان یک کتاب یا یک جزوه است. الغدیر هم - آن کاخ عظیمی که مرحوم امینی ساخته - به جای خود محفوظ؛ این کتاب‌ها هم دانه دانه بیاید و اقطار عالم را پر کنند. یعنی الغدیر به صورت یک مجموعه، وجود داشته باشد، یک جا هم جزوه، جزوه وجود داشته باشد.»



خواندن در محضر علامه

کتاب شریف الغدیر به عنوان یکی از معتبرترین منابع حدیثی برای اثبات ولایت امیرالمومنین (ع) از اهمیت بالایی برخوردار است، ولی خواندن آن برای همه مقدور نیست. علاوه بر این شاید جذابیتی هم برای مخاطب نداشته باشد که یک کتاب فنی و علمی آن هم در ۲۲ جلد را از اول تا آخر بخواند. اما می‌توان با مراجعه به گزیده و خلاصه این کتاب که در یک جلد آماده و منتشر شده پای درس غدیر علامه نشست و به قول شاعر «آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید»؛ از این رومی‌توان با مراجعه به کتاب «گزیده‌ای جامع از الغدیر» از این اثر سترگ به قدر توان بهره برد. همچنین کتابی از سوی دفتر نشر معارف با عنوان «خط روشن» منتشر شده که گزیده‌ای سبک‌تر و کم‌حجم‌تر از کتابی که پیشتر ذکر شده منتشر شده که برگزیده‌ای از این کتاب گرانقدر است.

نکته‌ای که باید یادآوری کرد جای خالی زندگینامه‌های جذاب برای نوجوانان و بزرگسالان از زندگی این دانشمند عالم تشیع است. یادنامه‌ها و کتب تحقیقی درباره اثر بزرگ او شاید نشان از اهمیت جایگاه این شخصیت و آثارش باشد، ولی برای مخاطب عام کارکردی ندارد و شخصیت و فعالیت علمی‌اش را به کسی معرفی نمی‌کند. زندگینامه‌هایی که در غرب جدی گرفته می‌شوند و در یک مرور ساده می‌بینیم که برای یک شخصیت و گاهی یک اثر کتب بسیاری تألیف شده تا مخاطب بتواند دست به انتخاب بزند و وارد دنیای افراد شود.



مطالعه و استنساخ (همان به مراجعه مکرر کرده است. کتاب‌ها گفته: «من برای سم... تا تائی تمت خوانده‌ام».

بنیاد بین‌المللی غدیر) با رباره سفر او به هندوستان بود: «علامه امینی در مدت دوستان چهار هزار صفحه نه ۱۶ ساعت در هوای گرم و در مدت چهار ماه تلاش استخراج کرده و اثبات کند.»